



جایگاه اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در تفسیر قراردادها

حسین مریدی فرا^۱، رضا سکوتی نسیمی^۲ و ناصر مسعودی^۳

چکیده

امروزه تفسیر یکی از موضوعات مهم و البته پیچیده‌ی قرارداد تجاری است. با وجود پیشرفت روزافزون حقوق تجارت، دقت در تنظیم قرارداد تجاری و استفاده از متخصصین حقوق وجود ابهام در آن بعید نخواهد بود. یکی از اصول ارائه شده برای تفسیر قرارداد، اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد (عدم لغویت) است. این اصل به ما نشان می‌دهد که اشخاص هدفمند به قرارداد نگاه می‌کنند و از نوشتن عبارات و الفاظ لغو و درج شروط بی‌معنا و فاقد اثر در قرارداد، امتناع می‌نمایند. در فقه و حقوق ایران تحقیق جامعی در خصوص جایگاه اصل فوق صورت نگرفته است، اما قواعدی در فقه وجود دارد که با تتبع و بررسی دقیق اصل را توجیه می‌کند. بدون اینکه در حوزه تفسیر قرارداد از اصل صحت نامی برده شده باشد در قانون مدنی ماده ۲۲۳ در کلیات تعهدات اصل صحت را بیان کرده که بی‌ارتباط با اصل مورد مطالعه نمی‌باشد، فلذا در خصوص کاربرد اصل فوق در تفسیر بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. در حقوق انگلیس اصل مذکور، صریحاً مورد پذیرش قرار نگرفته است و صرفاً در رویه قضایی مورد تایید واقع شده است که رویه قضایی در این کشور، هم‌شأن قانون است. اصل فوق، در حقوق اتحادیه اروپا در اسنادی همچون اصول قراردادهای اروپا^۴، پیش‌نویس جامع حقوق خصوصی اروپا^۵ و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۶ صریحاً بعنوان اصلی در حوزه تفسیر مورد پذیرش قرار گرفته است. مطالب فوق جای این سوال را باز نموده است که آیا اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد با اصل صحت یکی بوده با بین آنها تفاوت وجود دارد. پژوهش حاضر بدون قطع ارتباط بین این دو اصل، قائل به تفاوت نیز خواهد شد.

واژگان کلیدی: تفسیر، قرارداد، واجد اثر بودن، اصل صحت.

مقدمه

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
 استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).
 استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

⁴ - Principles of European Contract Law.

⁵ - Draft – Common Frame of Reference for a European Private Law. (DCFR)

⁶ - Unidroit Principles of International Commercial Contracts.

تفسیر قرارداد، نیاز اساسی حوزه قراردادهای است، بدون وجود این نهاد، نظم حقوقی مطلوب برپا نمی‌شود. اگر قانونگذاران گفته‌اند که قانون تمام روابط اجتماعی را اداره می‌کند، ادعایی گزافه است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲) تجارت امروز به اصل واجد اثر بودن عبارات و شروط قرارداد که همان اصل عدم لغویت عبارات قرارداد یا اصل تقدم معنای معتبر است، نیاز دارد. هرچند افراد بیهوده و بدون هدف قرارداد منعقد نمی‌کنند و همیشه دارای مقصودی در این وادی هستند، اما گاه پیش خواهد آمد که بین طرفین در معنای عبارات مندرج در قرارداد و بین فساد و صحت عقدی که صورت عرفی آن تمام شده است، اختلاف پیش می‌آید. حال سوال این است که باید کدام چهره را برگزید؟ صحت یا فساد. معنای معتبر یا معنای لغو. مصلحت جامعه چنین اقتضا می‌نماید که معنای معتبر و واجد اثر مقدم شود و احساس جامعه نیز چنین است که باید صحت بر بطلان مرجح باشد، در غیر اینصورت روابط قراردادی اشخاص بهم خورده و تعادل و نظام و نظم تجارت، در راهی غیر از هدف غایی خود حرکت خواهد کرد. اگر ما بتوانیم از مفاد و شروط و عبارات دو طرف قرارداد دو تفسیر که با هم منطبق نیستند را ارائه بدهیم، تفسیری مقدم خواهد بود که نظر به عدم لغویت و معنای معتبر دارد. سوال تحقیق این است که آیا اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در فقه و حقوق ایران، حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا پذیرفته شده است یا خیر؟ و آیا این اصل همان اصل صحت در تفسیر قرارداد بوده یا اصل مستقلی می‌باشد؟ فرضیه تحقیق نیز این است که اصل فوق در سیستم‌های مورد مطالعه پذیرفته شده است. اصل فوق با اصل صحت در تفسیر یکی نبوده و صرف نظر از وحدت مبانی دارای کارکرد مستقل از هم هستند.

در پژوهش حاضر مفهوم، مبنا و جایگاه اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد (با تعابیر و عناوین متفاوت) در فقه، حقوق ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین اسنادی که در حوزه قراردادهای در حقوق اروپا تدوین شده است، می‌توان اصول حقوق قراردادهای اروپا، پیش نویس جامع حقوق خصوصی و اصول تجاری ویرایش سال ۲۰۱۰ را برشمرد. صرف نظر از تشابهات زیاد پیش نویس جامع حقوق خصوصی با اصول حقوق قراردادهای اروپا، بین این دو سند و اصول تجاری نیز شباهت زیادی دارد. PECL توسط کمیسیون حقوق قراردادهای اروپا به ریاست پروفیسور اوله لاندو و حقوقدانان برجسته اتحادیه اروپا در دو مرحله در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ در ۱۷ فصل تنظیم شده است. روش جمع آوری تحقیق اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. نگارندگان از منابع موجود در کتابخانه اعم از کتاب، مجلات علمی-پژوهشی و .. بهره برده‌اند.

۱- واژه شناسی

لازم است تفسیر از حیث لغت و اصطلاح تعریف شود. به مفهوم اصل و قاعده نیز اشاره خواهد شد.

۱-۱ مفهوم تفسیر و اهمیت آن

تفسیر در لغت و اصطلاح تعریف شده است، در ذیل هر دو مورد مطالعه واقع خواهد شد.

۱-۱-۱ مفهوم لغوی تفسیر

تفسیر در لغت به معنی پدید کردن و هویدا کردن و بیان و تشریح معنی و لفظ آیات قرآن آمده است (معین، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵). تأویل، تعبیر، توضیح، بیان و شرح نیز در کتب لغت بعنوان معانی لغوی تفسیر ارائه شده‌اند (قیم، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸). تفسیر به کشف مقصود از لفظ مشکل نیز معنی شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ص ۳۶۱ به نقل از: علوم یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷). در نوشته های خارجی نیز تفسیر به مفهوم توضیح و تبیین یک موضوع آمده است (Ruth Urbom, 2002, p363).^۱

۲-۱-۱ مفهوم حقوقی - فقهی تفسیر و اهمیت آن

در نص قانون ایران اشاره‌ای به تعریف تفسیر نشده است و حقوقدانان نیز تعریف واحدی برای آن ارائه نکرده‌اند. سخن گزافه‌ای نخواهد بود اگر گفته شود معنای حقوقی تفسیر رابطه‌ی نزدیکی با مفهوم لغوی دارد و در حقوق و فقه نیز همانند علم لغت، تفسیر همان تبیین و توضیح مطلب است. عده‌ای از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۴) تفسیر قرارداد را به معنی تشخیص مقررات آن دانسته و هدف از تفسیر را روشن کردن مضمون و مفاد عقد شناخته‌اند.^۲ در حقیقت چنین باید بیان نمود که اگر مدلول یک قانون فاقد قاطعیت باشد، برای اینکه در میان احتمالات متعدد که آن قانون را در بر گرفته، یکی از احتمالات را رجحان بدهیم و آن را مدلول قانون، معرفی کنیم حاجت به نوعی تلاش اندیشه داریم که نام آن، تفسیر قانون است. برخی نیز تفسیر را عبارت از جستجوی دلالت دقیق آن و مشخص کردن گستره تعهدات قراردادی با بهره‌گیری از روش‌هایی که پائیدن هرچه دقیق‌تر اندیشه متعاقبین را ممکن سازد، دانسته‌اند. (صالحی‌راد، ۱۳۸۸، ص ۳۹) حقوق دارای شاخه های متفاوتی است که تفسیر در هر کدام مفهوم خاصی به خود می‌گیرد. در منطق حقوق، تفسیر به معنای یافتن نزدیک‌ترین و بهترین معنا برای یک قاعده حقوقی است. (جعفری تبار، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵) مؤلف فوق در روش شناسی حقوق نیز، تفسیر را دارای اهمیت دانسته و بیان داشته است که تلاشی که حقوقدان برای درک مدلول نهادهای حقوقی بکار می‌گیرد و در این تعریف است که نهادی در حوزه‌های مختلف سنجیده شده تا میزان ارزش آن مشخص گردد و معنای مطلوبی از آن بدست آید. هرمونیتیک^۳ حقوقی خود در مقام تفسیر یا ناظر به تفسیر قانون و مصوبات قوای حاکم یا درباره تفسیر قراردادهای خصوصی است (همان). همانطور که حقوقدانان (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۳۶) بیان نموده‌اند مفهوم حقوقی

^۱ - interpretation: an explanation or understanding of sth. What's your interpretation of these statistics?

^۲ - در جایی دیگر تعیین معنی درست و گستره قاعده حقوقی را تفسیر آن قاعده می‌گویند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸)

^۳ - این واژه به معنی تفسیر می‌باشد که در علم فلسفه کاربرد دارد. Hermeneutic

تفسیر همیشه ناظر به قراردادهای نیست و فقط قراردادهای نیستند که نیازمند تبیین هستند، بلکه ممکن است سایر اعمال حقوقی نیز نیازمند تفسیر باشند. مثلاً تحقق ایقاعات نیز ممکن است دارای نکات ابهامی باشد و نیازمند تفسیر باشد. می‌توان از باب مثال به طلاق اشاره نمود که یکی از بحث‌برانگیزترین ایقاعات موجود می‌باشد. در فقه نیز تفسیر به معنی توضیح دادن آیات قرآن آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰). بعضی از فقها نیز تفسیر را کشف القناع دانسته و زمانی تفسیر را ضروری می‌دانند که معنای متن روشن نباشد و مفاد آن در پرده حجاب مستور باشد (انصاری، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۵۷). اما می‌توان تفسیر قرارداد تجاری را چنین تعریف نمود که عبارت است از تلاش و کوشش جهت فهم و استنباط قصد طرفین در قراردادهای تجاری بین‌المللی.

تفسیر در حقوق انگلستان و حقوق اتحادیه اروپا نیز تعریف نشده است و این مطلب را باید در کلام حقوقدانان و رویه قضایی یافت. (Willmot, 1996, p280) همین حقوقدان در تعریف تفسیر از رویه قضایی این کشور الهام گرفته و با تمسک به رویه قضایی تفسیر را چنین تعریف می‌نماید: « مفهوم تفسیر قراردادهای مشتمل بر دو حوزه است: اول: در فهم معنی کلمات دخالت دارد و دوم: جهت تاثیر حقوقی این کلمات، در یافتن معنی آنها، به قصد طرفین، عرف و عادت باید توجه شود» (Ibid, p281). عده‌ای بیان نمودند که تفسیر قرارداد با هدف تعیین مفاد قرارداد صورت خواهد گرفت. (Christian, 2009, p 533) علاوه بر موارد فوق، در رویه قضایی کامن لا، که انگلستان سردمدار آن است، دادگاه وظیفه دارد قراردادهای طرفین را تفسیر نموده و به قصد طرفین اثر بخشد. البته باید اذعان نمود دادگاهها نیز در حدود متعارف حرکت نموده و بدور از حد متعارف و ادبی واژه‌ها را تفسیر نخواهند نمود. (Barker, 2003, p 171) می‌توان از فرهنگ‌های معروف حقوقی انگلستان نیز مفهوم تفسیر را استخراج نمود. از مهمترین این فرهنگ‌ها می‌توان به دو مورد اشاره نمود. اول: فرهنگ حقوقی بلاک تفسیر را چنین تعریف نموده است: «تفسیر عبارت است از هنر یا فرایند کشف و تشخیص معنی یک قانون، وصیت نامه، قرارداد یا هر مدرک دیگر و به عبارت دیگر کشف و نمایش معنی صحیح هر نکته و علامتی که بیان‌کننده مضامین و ایده‌هایی باشد». (Garner, 2011, p 402) دوم: در فرهنگ حقوقی آکسفورد واژه تفسیر چنین تعریف شده است: « تفسیر عبارت است از فرایند تعیین مفهوم واقعی سند نوشته. آن یک فرایند قضایی است، بر اساس شماری از قواعد و فرضیه‌ها».^۱

هر چند مقررات مندرج در فصل پنجم مواد ۱۰۱-۵ تا ۱۰۷-۵ اصول حقوق قراردادهای اروپا شامل مطالب جدید و خاصی در خصوص تفسیر است، اما تعریفی در این خصوص ارائه نمی‌دهد. از طرفی پیش‌نویس جامع حقوق خصوصی اروپا و اصول مؤسسه نیز تعریفی از تفسیر ارائه نمی‌دهد.

^۱ - interpretation: The process of determining the true meaning of a written document. It is a judicial process, effected in accordance with a number of rules and presumption. So far as is relevant, the rules and presumptions applicable to Acts of Parliament (SEE INTERPRETATION OF STATUTES) apply equally to private documents, such as deeds and wills. (Martin, 2002, p 261)

۳-۱-۱ مفهوم اصل و قاعده

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر اصول تفسیر است، بعد از شناخت مفهوم تفسیر لازم است، به واژه شناسی اصل نیز پرداخته شود. اشاره به قواعد فقه نیز مفید خواهد بود.

۱-۳-۱-۱ مفهوم اصل

اصل در لغت به معنی منشأ، اساس و بنیاد آمده است (قیم، همان، ص ۱۰۶ - معین، همان، ص ۱۳۶). جمع کلمه اصل اصول می باشد که به معنی مبانی آمده است (قیم، همان). فلذا وقتی سخن از اصول تفسیر به میان می آید سخن از مبانی تفسیر خواهد بود. با دقت نظر بیشتر روشن می شود که اصل در معنای لغوی با مفهوم آن در اصول فقه متفاوت می باشد. در واقع «اصل چیزی است که بدون ملاحظه کشف از واقع و صرفاً برای تعیین تکلیف در موقع شک و تردید حجت شناخته شده باشد اعم از اینکه مثبت حکم تکلیفی باشد یا موضوع» (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۲). بعنوان مثال می توان گفت اگر بر ما روشن نباشد که استعمال دخانیات حرام است یا حلال، اصل برائت حکم به حلال بودن می کند. البته اثبات این امر صرفاً برای رهایی از تردید است نه اینکه بتوان با این اصل حلال بودن آن را به اثبات برسانیم. در اینجا اصل حکم را بیان نمود. می دانیم که اصل بر صحت قراردادهاست و قرارداد واقع شده بین دو شخص، با توجه به این اصل، صحیح قلمداد می گردد. حال فرض کنید یکی از طرف های عقد مدعی بطلان است، برای رفع تحیر اصل صحت عقد است. در اینجا اصل برای رفع تردید در موضوع است.

۱-۳-۱-۲ مفهوم قاعده

قاعده در لغت به معنی فرمول آمده است. (قیم، همان، ص ۸۰۴) جمع کلمه قاعده، قواعد می باشد. در فقه قاعده عبارت است از: «قانون بسیار کلی که منشأ استنباط قوانین محدودتر بوده یا مبنای قوانین متعدد دیگر بوده باشد مانند قاعده لاضرر» (جعفری لنگرودی، همان، ص ۵۱۳). و قواعد فقه را چنین تعریف کرده اند: «فرمول های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می گیرند» (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲).

در مفهوم فقهی بین اصل و قاعده تفاوت وجود دارد. اصل صرفاً وسیله استنباط و کشف احکام هست، در حالی که قاعده به اعتباری، خود حکم می باشد نه واسطه ی کشف (همان). می توان از باب مثال به برائت بعنوان اصل یاد کرد و از لاضرر بعنوان قاعده.

۲-۱ مفهوم اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد و اصل صحت^۱

^۱ اصل صحت در تفسیر همان اصل تفسیر مفید است که با موضوع پژوهش ارتباط نزدیک دارد. از طرفی از آن «اصل تقدم معنای معتبر» نیز تعبیر می شود. Principle of Effective Interpretation.

لازم است مفهوم اصل بیان شود. از طرفی این اصل با اصل صحت رابطه بسیار نزدیکی دارد و برای روشن شدن رابطه این دو، لازم است اصل واجد اثر بودن را تبیین نموده و در مرحله بعد به مفهوم اصل صحت بپردازیم.

۱-۲-۱ مفهوم اصل در حقوق داخلی

اصل واجد اثر بودن عبارات و شروط قرارداد بدین معنی است که عبارات بکار رفته در قرارداد عبث نبوده و اشخاص از بکار بردن عبارات لغو خودداری می‌کنند. یعنی: الفاظ قرارداد دارای اثر حقوقی هستند. فقها و حقوق‌دانان در حوزه داخلی کمتر به این اصل پرداخته‌اند، ولی می‌توان چنین بیان نمود که وقتی اشخاص اقدام به تنظیم قراردادی می‌نمایند، اراده آنها بر این است که بخش‌های متفاوت در قرارداد واجد اثر بوده و هر بخشی از آن، دارای اعتبار باشد. پس اگر عباراتی در قرارداد دارای دو مفهوم باشد که یکی دلالت بر اعتبار داشتن دارد، و دیگری دلالت بر بیهوده بودن دارد، همان معنی که دلالت بر عدم لغویت دارد، مقدم خواهد بود. در واقع کاربرد اصل بیشتر در مواردی است که عبارات قرارداد مفید دو معنی باشد. مفسر باید اصل را بر واجد اثر بودن عبارات قرارداد تفسیر نماید. وقتی قانونگذار در ماده ۵۵۷ ق.م.مقرر می‌دارد: «اگر کسی مالی برای تجارت بدهد و قرار گذارد که تمام منافع مال مالک باشد در این صورت معامله مضاربه محسوب نمی‌شود و عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که عامل عمل را تبرعا انجام داده است»، این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که آیا با وجود عدم تحقق عقد مضاربه و استحقاق عامل به اجرت المثل، قرارداد دیگری محقق شده است یا خیر؟ آیا باید قرارداد را صحیح تلقی نمود یا فرض را بر وجود بطلان توافق گذاشت و با وجود بطلان نظر به استحقاق اجرت المثل داد؟ نظریات فقها در این خصوص متفاوت است که بیان نظریات خارج از موضوع پژوهش است. ولی باید اشاره شود که نظر مشهور دلالت بر بطلان مضاربه و عدم تحقق عقد دیگری دارد و عامل را صرفاً از باب احترام عمل مسلم مستحق اجرت المثل دانسته است. (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۳۶۴ و بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۲۳۱ به نقل از: سکوتی نسیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵) عده‌ای از حقوق‌دانان (سکوتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹)^۱ پس از تفسیر و تحلیل ماده و بیان نظریات فقها، بیان نموده‌اند که دو احتمال وجود دارد که یکی: بطلان قرارداد و دیگری صحت و اعتبار قرارداد است. اصل واجد اثر بودن، با بهره‌گیری از قاعده فقهی «اعمال الکلام اولی من اهماله» نیز چنین اقتضا دارد که عبارات قرارداد، بیهوده تلقی نگردد. در واقع تفسیری که دلالت بر فساد دارد، با توجه به قاعده فوق مورد توجه واقع نمی‌شود و قاعده «افعال المسلمین و اقوالهم محموله علی الصحه الا ما علم فیه الفساد» نیز بر اصل مورد نظر، مهر تایید خواهد زد. باید به این نظر قائل شد دلالت کلام اشخاص در جامعه مبتنی بر معنا و اثر است و اگر اشخاص اقدام به درج عبارات و شروطی در قراردادها می‌نمایند، مفید اثر خواهد بود.

۱-۲-۲ مفهوم اصل در قراردادهای تجاری

^۱ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به همان، ص ۱۳۳ به بعد.

در هیچ یک از نظام‌های مورد مطالعه، مفهوم اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد به تفصیل تبیین و روشن نگردیده است و بهمین دلیل تحقیق در این خصوص دشوار خواهد بود. سوالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که مفهوم اصل، ناظر به واجد اثر بودن تمام شروط و مندرجات قرارداد است یا صرفاً معنادار بودن؟ در بعضی منابع تفکیک حاصل از سوال فوق، مورد استفاده واقع نشده است و عبارات نویسندگان چنین است که اصل فقط دارای یک معنا می‌باشد (Henry, 2004 : 1582) و (Baddack, 2005: 108). اگر پاسخ سوال واجد اثر بودن تمام عبارات باشد، تحلیل چنین خواهد بود که فحوی اصل عدم لغویت عبارات قرارداد، بیان می‌دارد که تمامی شروط مندرج در قرارداد و همچنین عبارات موجود در آن، دارای اثر حقوقی بوده و تعهدی را ایجاد می‌نماید. (حبیبی، همان، ص ۲۹۹) حال اگر شکی بوجود بیاید، چاره‌ای جز این نداریم که عبارات و شروط مندرج در قرارداد را واجد اثر حقوقی دانسته و آنها را مفید اثر قلمداد نماییم. اما اگر پاسخ سوال صرفاً معنادار بدون عبارات باشد، تحلیل چنین است که ما لزومی به واجد اثر حقوقی دانستن تمامی عبارات و مندرجات در قرارداد نداریم، و لازم نیست هر عبارت قرارداد را دلیل بر ایجاد تعهد بدانیم؛ بلکه عبارات را باید معنادار قلمداد کنیم و آنها را لغو ندانیم. (همان، ص ۳۰۰)^۱

۱-۲-۳ مفهوم اصل صحت

مشهور است که اصل صحت در دو معنا بکار می‌رود که ذیلاً بیان می‌گردد.

۱-۲-۳-۱ اصل صحت در معنای تکلیفی

در این مفهوم، اصل صحت ناظر بر مشروع و حلال بودن اعمال است. با توجه به این معنا است که برای موضوعی حکم به مشروعیت آن داده می‌شود. از منظر شیخ انصاری، اصل صحت عمل اغیار، مورد اجماع فتوایی و عملی مسلمین است. (انصاری، ۱۳۷۴ه.ق، ص ۴۱۶) فلذا نظر به این معنا، باید اعمال انسان را حمل بر حلال نمود و حکم به حرام دلیل می‌طلبد. دلایل این اصل نیز فراوان است، از جمله: قولوا للناس حسناً (۸۳ بقره). واجتنبوا قول الزور (۳۰ حج). یا روایت امام جعفر صادق (ص) که به محمد بن فضل فرمود: «کذب سمعک و بصرک عن اخیک و ان شهد عندک خمسون قسامه انه قال و قال لم اقل و صدقه و کذبهم». (نراقی، ۱۴۱۷ه.ق، ص ۷۳) عده‌ای از نویسندگان (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸) مبنای این معنا را، مصالح مسلمین ذکر کرده‌اند، چراکه اگر اصل را بر فساد قرار دهیم، روابط مردم با مشکل مواجه خواهد شد و نظام مدنیت بهم خواهد خورد. این مبنا برای این مفهوم،

^۱ - بعنوان مثال می‌توان گفت که در یکی از بندهای قرارداد بیع مقرر شده است که فروشنده همکاری لازم را جهت تنظیم سند رسمی با خریدار انجام دهد. عبارت همکاری داشتن، بار حقوقی خاصی ندارد و تنها اثر آن مساعدت است. فلذا اگر فروشنده همکاری لازم را جهت تنظیم سند رسمی انجام نداد خریدار نمی‌تواند از پرداخت ثمن معامله امتناع نماید. در عین حال، اصل فوق اقتضا می‌نماید دادگاه قرارداد را طوری تفسیر نماید که عبارت همکاری نمودن لغو و بی اعتبار محسوب نگردد، هرچند این عبارت واجد آثار حقوقی خاصی نباشد. با این وصف نمی‌توان گفت اثر حقوقی داشتن در تمامی موارد همان عدم لغویت است.

صحیح نمی‌باشد. چراکه در این معنا، بیشتر موضوع حلال و حرام بودن افعال مد نظر ما هست، نه اعمال حقوقی، که با هم پیوند دارد. فلذا این معنا در حوزه اخلاق جاری است.

۱-۲-۳-۲ اصل صحت در معنای وضعی

در این معنا، اصل صحت اعمال دیگران را که با هم پیوند دارد و مربوط به روابط اشخاص با هم است، صحیح تلقی می‌نماید. نتیجه اینکه تا زمانیکه دلیل بر فساد عمل اشخاص وجود نداشته باشد، آن عمل صحیح تلقی می‌گردد. در این معنا وجه حقوقی مد نظر ما می‌باشد. دلایل اصل صحت در این معنا نیز، اجماع، سیره قطعی مسلمین، ظهور حال مسلمین و بنای عقلا بیان شده است. شیخ انصاری نیز بنای عقلا را دلیل اصل صحت در این مفهوم دانسته است. (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۱۶)

۱-۲-۳-۳ قلمرو اصل صحت

سوال اینست که این اصل تمامی اعمال حقوقی را شامل می‌شود یا صرفاً ناظر بر عقود است؟ چنین می‌توان پاسخ داد که این اصل در تمامی اعمال حقوقی جاری است. اصل صحت اصلی فراگیر و جامع بوده و جای تردید ندارد که در هر دو گروه اعمال حقوقی جاری باشد. حقوقدانان این اصل را دارای دامنه‌ای وسیع دانسته و شامل عقود و ایقاعات می‌دانند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷). فقها نیز بر این نظر هستند که این اصل، عقود و ایقاعات را شامل می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ه.ق، ص ۳۴۲. مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۱۱۸) در مقابل عده‌ای بیان نموده‌اند که اصل صحت ایقاعات از ماده ۲۲۳ ق.م. استنتاج نمی‌گردد و جز با تصریح قانونگذار نمی‌توان حکم آن را در ایقاعات جاری نمود. فلذا این اصل در عقود جاری بوده و در ایقاعات قابل اجرا نیست. (موسوی خویی، ۱۳۷۷ ه.ق، ص ۳۲۳. شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱. قاسم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴).

سوال دوم ایست که اصل صحت در شبهه حکمی و موضوعی جاری می‌شود یا خیر؟ راست است که هر معامله‌ای واقع می‌شود احتمال فساد و صحت در آن می‌رود و اعمال حقوقی ممکن است صحیح باشند یا فاسد. اما از دلایل این اصل روشن گردید اصل صحت، صحت بر این اعمال حقوقی می‌گذارد و صحت را بر آنها بار می‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، ص ۳۱۱. عده‌ای از حقوقدانان تردید در شبهه حکمی را با اصل آزادی قراردادها، رفع می‌کنند. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، ص ۳۷۹) و عده‌ای نیز صریحاً شبهه حکمی را از مجرای اصالة الصحة خارج می‌دانند. و مثال می‌زنند که اگر بیعی با شرط فاسد، واقع شده باشد که آن شرط فاسد، مفسد عقد باشد، ولی طرفین عقد پس از آن، شرط را ساقط نموده و توافق نمایند، آیا عقد به حالت صحت باز می‌گردد یا خیر؟ چنین پاسخ داده‌اند که شبهه حکمی است و شامل این مورد نمی‌شود. (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، همان).

در فقه اختلاف نظر در این خصوص شدید است که نظر به خارج بودن بحث از این پژوهش به آن پرداخته نمی‌شود. فقط به صورت اجمالی اشاره می‌شود که عده‌ای چنین بیان نموده‌اند که دامنه اصل وسیع بوده و اصل در تمام موارد تردید و شک جاری می‌شود، مشروط بر اینکه دلایل حجیت اصل صحت را سیره مسلمین بدانیم و فساد این قراردادها موجب بهم ریختگی بازار و معاش مردم شود. (انصاری، ۱۳۷۴ ه.ق، ص ۳۹۷) عده‌ای نیز ضمن اعلام نظریه وسیع بودن دایره اجرای اصل، شک و تردید در شرایط عرفی را استثنا نموده‌اند. (موسوی بجنوردی، همان، ۲۹۴) نظری دیگر نیز وجود دارد که تردید را در فساد عقد دانسته و همین تردید را مجرای اصل صحت می‌دانند. ایشان تردید در شرایط عوضین و طرفین قرارداد را خارج از مجری اصل صحت می‌دانند. (نائینی، میرزا حسین، بی‌تا، ص ۴۷۳). این نظرات قابل تأمل هستند و تفسیر آنها خارج از موضوع است. می‌توان چنین گفت که اصل صحت در مواردی اعمال می‌گردد که اولاً: صورت عرفی عقد واقع شده باشد. یعنی اراده انشایی دو طرف و همکاری متقابل اراده‌ها بر انشای ماهیت حقوقی عقد ضروری است، پس اگر در تحقق ماهیت عقد تردید شود، اصل عدم جاری خواهد بود. (قاسم زاده، همان، ص ۱۷۳) چراکه اگر ماده نزاع راجع به وقوع عقد باشد با اصل صحت این نزاع، رفع نمی‌گردد. عقل نیز چنین قبول نمی‌کند، عقدی که در وقوع و عدم وقوعش تردید باشد، را صحیح قلمداد نمی‌ماییم، چرا که در عالم اعتبار عملی واقع نشده است تا رای به صحت صادر کنیم. دوماً: اصل در مواردی اعمال می‌گردد که تردید راجع به شبهه موضوعی باشد نه حکمی.^۱ سوماً: اینکه در نظام حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصل صحت در تفسیر در تمامی مراحل قرارداد اعم از مذاکرات، شروط، اعمال و رفتار متعاملین در حوزه تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۰) هر کدام از موارد فوق مورد تردید واقع شود، با یاری اصل صحت در تفسیر محمول بر صحت خواهد بود. نتیجه اینکه می‌توان گفت در مواردیکه بیان اراده با قصد درونی در تعارض است یا شخصی در قرارداد مدعی اکره و اشتباه بوده است یا مورد قرارداد در رهن بوده و قابلیت انتقال را ندارد یا شخصی مدعی مفسد بودن شرط است، تردید و شک را وارد ندانسته و حمل بر صحت می‌نماییم.

۳-۱ ارتباط اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد با اصل صحت

عده‌ای از حقوق‌دانان (حبیبی، همان، ص ۲۹۴) اصل صحت در تفسیر را چنین تعریف نموده‌اند که قرارداد باید چنین تفسیر شود که تمامی شروط و عبارات آن، دارای اثر حقوقی باشد و هیچکدام از مندرجات آن، لغو نباشد. برخی نیز بیان داشته‌اند که با اندک مسامحه می‌توان گفت اصل عدم لغویت عبارات قرارداد، همان اصل صحت در تفسیر است (ترابی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). هرچند تفکیک این دو اصل بسیار مشکل است، اما در حقوق داخلی ایران نمی‌توان اصل مورد مطالعه را همان اصل صحت دانست. در واقع اصل صحت، به تفسیر قرارداد نمی‌پردازد و نقش

^۱ - برای تبیین مفاهیم شبهه حکمی و موضوعی - مفهومی و مصداقی بنگرید به: محمدی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.

کاربردی در تفسیر ندارد. ولی اصل مورد نظر ما، کاربردش، دقیقاً در حوزه تفسیر قراردادها خواهد بود. توضیح مطلب این است که اصل صحت یا ناظر بر مشروع و حلال بودن اعمال است یا اعمال حقوقی ناشی روابط اشخاص را صحیح قلمداد می‌کند و در مقام لغو بودن یا اثر حقوقی داشتن جزء به جزء عبارات و الفاظ قرارداد نیست. اصل مورد مطالعه حکم به صحت قرارداد نمی‌دهد بلکه می‌گوید اگر اشخاص در قراردادی لفظی بکار بردند آن لفظ واجد اثر حقوقی است و لغو نمی‌باشد. توضیح اینکه عبارتهای متفاوت قرارداد دارای آثار متنوعی می‌باشد و به استناد اصل عدم لغویت، تمامی عبارات در مواردی دارای معنا و در مواردی دارای معنا و اثر حقوقی می‌باشد. پس با اصل صحت می‌توان حکم به صحت قرارداد داد، اما با اصل صحت نمی‌توان حکم به صحت عبارات مندرج در قرارداد صادر نمود و اعتبار بخشیدن به عبارات قرارداد بر اساس اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد است. از طرفی در فقه و حقوق ایران اصل صحت ناظر به بطلان به مفهوم عام کلمه است. در نتیجه تمامی حالاتی که در صورت تردید و ایجاد شبهه به صحت عقد خلل وارد می‌نماید، مشمول قاعده بوده و اصل صحت آن را پوشش می‌دهد. در حالیکه حوزه اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد، خارج از بطلان عقد می‌باشد و بعد از صدور حکم به صحت عقد به اعتبار و اثر حقوقی عبارات و شروط قرارداد پرداخته می‌شود.

۱-۵ مبانی اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد

اصل فوق یکی از اصول مورد نیاز در حوزه قراردادها هستند. در حوزه قراردادها ما چاره‌ای جز پذیرش این اصل را نداریم و اگر چنین نباشد، نظم معاملات بهم خواهد خورد. هر باید قائل به تفکیک دو اصل می‌باشد، اما این دلیل بر جدایی مطلق مبانی دو اصل ندارد. در واقع اصل صحت اصلی شناخته شده بوده و تحقیق در خصوص آن نیز نسبت به عنوان مورد مطالعه ما، بسیار گسترده‌تر صورت گرفته است. می‌توان ادعا نمود تا بحال تحقیق مستقلی در خصوص اصل عدم لغویت و واجد اثر بودن عبارات قرارداد صورت نگرفته است. از طرفی برخلاف برخی اصول همانند اصل لزوم، اصل صحت ریشه حقوق اسلامی دارد و برای مطالعه آن باید به فقه اسلامی مراجعه نمود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۱، ص ۳۹۱) در حالیکه برای مطالعه و ریشه‌یابی اصل واجد اثر بودن عبارات باید به حقوق غرب هم مراجعه نمود.

۱-۵-۱ نیاز و مصلحت جامعه

عده‌ای از حقوقدانان، بیان نموده‌اند که اگر در روابط قراردادی در صورت تردید در صحت عقدی و به صرف ادعای بطلان، آن عقد فاسد دانسته شود، وضع معاملات بهم خواهد خورد و این موضوع را نیاز جامعه به وجود چنین اصلی دانسته‌اند. (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱) زیربنای این اصل همانند بیشتر قواعد حقوقی، مصلحت جامعه اعلام شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷) مصلحت جامعه همچنانکه اصل صحت را توجیه می‌نماید، اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد را توجیه می‌نماید.

۱-۵-۲ اراده قانونگذار و رویه قضایی

قانونگذار اصل واجد اثر بودن را در هیچ یک از مواد قانونی ذکر ننموده است و حتی در آرای قضایی نیز این اصل مورد اشاره قرار نگرفته است. اما قانونگذار اصل صحت را مورد توجه قرار داده و از دیرباز نظر به وجود این اصل صحت در فقه، آن را در تدوین قوانین مورد لحاظ قرار داده است، تا جایکه یک ماده را در قانون مدنی به آن اختصاص داده است. ماده ۲۲۳ ق.م.چنین مقرر می‌دارد: « هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود». باید گفت از فحوای این ماده می‌توان اصل عدم لغویت عبارات قرارداد را استنتاج نمود و قراردادی که تنظیم می‌شود را دارای اثر حقوقی دانسته و عبارات آن را لغو ندانست. در کشور انگلستان در پرونده‌های بیشماری این اصل مورد توجه قرار گرفته است که در جای خود مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۱-۵-۳ اراده متعاقدين

اگر با دقت به قرارداد نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که اشخاص وقتی به انعقاد قرارداد روی می‌آورند که مرحله مذاکرات مقدماتی را سپری نموده، و به عقد بستن، قانع شده‌اند. از این روی، اراده طرفین مبتنی بر موجودیت عقدی صحیح است که اگر تردیدی در آن حاصل شود، آن تردید و شک را نادیده گرفته و حمل بر صحت نماییم. همین مبنا می‌تواند در عدم لغویت و واجد اثر بودن عبارات قرارداد مورد استفاده واقع شود. توضیح اینکه اراده متعاقدين چنین می‌خواهد که عبارات بیهوده در قرارداد ذکر نشوند و طرفین عقد با هدف و مقصود خاصی در قراردادهای تجاری اقدام به درج عبارات و شروط نمایند.

۱-۵-۴ سیره خردمندان و بنای عقلاء

عقلای جامعه نیز چنین پذیرفته‌اند که عمل افراد لغو نباشد و واجد اثر حقوقی باشد. عقلای جامعه در برخورد با فساد بی‌دلیل افراد بی‌توجه بوده و اصل را بر صحت قرارداد می‌گذارد. پس اگر در دادگاه فساد عمل ثابت نگردد اصل بر صحت آن است. (انصاری، همان - کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶ - شهیدی، همان، ص ۲۱۷) توضیح مطلب اینکه اصل عدم لغویت عبارات قرارداد، که دلالت بر واجد اثر بودن عبارات قرارداد دارد، در واقع نشأت گرفته از سیره عقلا در جامعه است. این سیره عقلاء است که چنین می‌پذیرد اشخاص به لغو و عبث اقدام به درج عبارات و شروط در نصر قرارداد نمایند

۱-۵-۵ استحکام و ضرورت نظم و ثبات معاملاتی

در واقع قراردادها واجد جنبه الزام‌آوری هستند و این جنبه از قرارداد در صورتی وجود خواهد داشت که قرارداد دارای اثر حقوقی باشد و شروط و عبارات قرارداد بی اثر و لغو نباشد. از جهت فقهی نیز اصل صحت که دارای مبنایی واحد با اصل عدم لغویت عبارات می‌باشد، مبتنی بر لزوم حفظ نظم در روابط اجتماعی و معاملاتی است

(شهیدی، همان، ص ۲۱۶). اگر بگوییم اشخاص مختارند عبارات را لغو و بیهوده و فاقد اثر بکار ببرند، در معاملات نظمی وجود نخواهد داشت.

۱-۵-۶ قاعده اعمال الکلام اولی من اهماله

یعنی برای عبارت بکار رفته، مفهوم قائل شدن، بهتر از بیهوده پنداشتن است. مرسوم است اشخاص در بکار بردن عبارات و الفاظ در قرارداد دقت می‌نمایند و بیهوده از عبارات استفاده نمی‌کنند. قاعده فوق عرف حاکم بر قراردادهای را تایید می‌کند؛ بدین شرح که اشخاص عرفاً نباید در قراردادهای خودشان الفاظ و عبارات را بیهوده بکار ببرند.

۲- جایگاه اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در فقه، حقوق ایران، انگلستان و اتحادیه اروپا

اکنون باید بررسی نماییم که آیا اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد بعنوان اصلی معتبر و شناخته شده در حوزه قراردادهای، به چه نحوی به تفسیر قرارداد می‌پردازد و آیا این اصل اصلاً در حوزه مطالعاتی ما مورد پذیرش واقع شده است یا خیر؟ لازم به ذکر می‌داند نظر به اینکه اصل صحت و واجد اثر بودن عبارات قرارداد کاملاً از هم متمایز نیستند و در حین حال یک اصل نیز نمی‌باشند، ناچار خواهد بود در بحث جایگاه تفسیر بر اساس اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد، از اصل صحت نیز به کرات سخن بگویند. وجود مبانی مشترک چنین الزامی را توجیه می‌کند.

۲-۱ فقه و حقوق ایران

در حقوق ایران اصل صحت صریحاً در ماده ۲۲۳ ق.م مدنی مورد اشاره واقع شده است، بدون اینکه جایگاه اصل صحت در تفسیر قرارداد روشن شود. ماده فوق چنین مقرر می‌دارد: « هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود». آنچه از این ماده برداشت می‌گردد این است که ظاهراً قانونگذار درست بودن قرارداد را مبتنی بر ظاهر می‌داند و اگر دلیلی خلاف آن ارائه شود، اصل صحت از اعتبار خواهد افتاد. در اینکه اصل صحت جزء امارات است یا اصول عملیه اختلاف نظر وجود دارد. (مریدی فر، ۱۳۹۳، ص ۵۲) عده- ای آن را اماره دانسته‌اند بدین شرح که، چون در یک اجتماع معمولاً روابط اجتماعی و معاملاتی اشخاص به صورت صحیح تحقق می‌یابد، این اصل روزنه‌ای به واقعیت دارد و نسبت به درستی مدلول آن ظن نوعی حاصل می‌گردد. در تعارض با سایر اصول نیز مقدم خواهد بود. (شهیدی، همان، ص ۱۸۴ و ۱۸۵ - مکارم، همان، ص ۱۳۳) در مقابل عده‌ای آن را اصل عملی اعلام نموده‌اند. (جعفری لنگرودی، همان، ص ۱۷۷) و عده‌ای نیز بیان نموده‌اند که از اصلی عملی همچون اصل برائت بالاتر است و آن را اصل محرز می‌دانند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۲۵۶ - قاسم‌زاده، همان، ص ۱۷۳). عده‌ای برخلاف آن دسته که آن را روزنه‌ای به واقعیت می‌دانند، بیان نموده‌اند که باید آثار بیرونی عملی را که با اصل، صحیح دانسته‌ایم، محرز بدانیم (انصاری، همان، ص ۴۲۲). در این بین نظر

برخی از نویسندگان نیز چنین است که اصل صحت نه اماره است و نه اصل عملی. (گرچی، ص ۹۲) این نویسنده چنین عنوان نموده است که « اشکالی نیست در اینکه بر اصل صحت تنها آثاری مترتب است که اولاً: شرعی و ثانیاً: به طور مستقیم و بلاواسطه بر آن مترتب باشد. اما آثار مترتب بر عمل صحیح به واسطه امر عقلی یا عادی بدون شک بر آن مترتب نخواهد بود، تفاوت نمی‌کند اصل صحت را از امارات بدانیم یا اصول عملی». (همان، ص ۱۱) به نظر می‌رسد باید نظر آن عده که اصل صحت را اماره قلمداد می‌کنند صحیح بدانیم. چراکه همانطور که اماره مثبت آثار شرعی خود است، اصل صحت نیز مثبت آثار، خواهد بود.

اما باید توجه نمود که هر چند در کلیات تعهدات، قانونگذار یک ماده را به اصل صحت اختصاص داده است، قانونگذار در هیچ یک از مقررات قانونی، نه از جایگاه اصل در تفسیر سخن گفته است و نه اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد را در حوزه تفسیر قرارداد بکار برده است و نامی از این اصل، آورده نشده است. البته به نظر می‌رسد وقتی مجرای اصل صحت را مشخص می‌کنیم و محدوده آن را تعیین و مرزبندی می‌نماییم، در بیان این هستیم که تفسیر قرارداد باید چنان باشد که عقد مورد نظری که وقوع یافته است، فاسد نبوده و دارای اعتبار قانونی است. اما اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد، بیان می‌دارد عبارات مندرج در قرارداد باطل نبوده و عقلای جامعه عبث بودن آنها را نمی‌پذیرند. خردمندان بر این هستند که مردم در انعقاد قرارداد و درج شروط، نهایت دقت را به خرج می‌دهند و در تردیدی که متعاقباً بوجود می‌آید، شروط آن را بی‌فایده نمی‌دانند و اصل فوق چنین اقتضایی دارد. اینجاست که اصل عدم لغویت عبارات قرارداد اراده متعاقدین را که مورد شک واقع شده است، کشف نموده و به نوعی راه بر حقیقت را می‌گشاید. اگر این اصل مورد قبول واقع نشود و در حوزه تفسیر از آن بهره لازم برده نشود، و بر اصل فساد ترجیح نگردد، نظام مبادله بهم خواهد خورد.

حقوقدانان در حقوق ایران، کمتر به این مهم پرداخته‌اند. برخی اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در تفسیر قرارداد را پذیرفته‌اند و چنین بیان نموده‌اند که ماده ۲۲۳ ق.م. دارای حالت اطلاق بوده و قانونگذار در حوزه‌های مختلف آن را پذیرفته است و فقط شک در شرایط و ارکان اساسی را استثناء نموده است و این اصل را در این مورد قابل اجرا نمی‌دانند (صاحبی، همان، ص ۲۱۷). همین نویسنده بدون ذکر نام نویسندگان دیگر چنین بیان نموده‌اند که «اگر چه بسیاری از حقوقدانان در این مورد نیز اصل صحت را جاری می‌دانند». (همان) حقوقدان دیگری در خصوص ماده ۲۲۳ چنین اشعار می‌دارد که ماده ۲۲۳ ق.م. در مورد صحت کل قرارداد بوده و ارتباطی با اصل صحت در تفسیر قرارداد ندارد. در ادامه می‌نویسند «آنچه در نظام حقوق تجارت بین‌الملل به عنوان اصل صحت در تفسیر، تعبیر می‌گردد، با اصل صحت در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه دارای تفاوت ماهوی و محوری است. مدلول اصل صحت در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی معنادار بودن و عدم لغویت الفاظ و عبارات قرارداد است؛ اما اصل صحت در حقوق ایران و فقه امامیه مبین یک حکم وضعی است و مدلول آن مقرر ساختن آثار و لوازم قانونی

برای عقد است که ماهیت عرفی آن تشکیل یافته است؛ لیکن در صحت آن تردید وجود دارد. بنابراین، اصل صحت موضوع ماده ۲۲۳ قانون مدنی در مقابل بطلان و بی‌اعتباری عقد قرار می‌گیرد و ارتباطی با «اثر حقوقی داشتن» و «عدم لغویت» الفاظ و عبارات ندارد». (حبیبی، همان، ص ۳۰۷) نهایتاً در خصوص مبانی فقهی و روح حاکم بر ماده ۲۲۳، دو تحلیل ارائه می‌نمایند که بدین اختصار است. اول- تفسیر نباید موجب بطلان یا بی‌اعتباری قرارداد و شروط ضمن آن قرارداد شود. دوم- تفسیر نباید سبب سلب اثر از بعضی عبارات و شروط در قرارداد شود. مضافاً اینکه اصل عدم لغویت را با قاعده «اعمال الکلام اولی من اهماله» همزاد دانسته‌اند. (همان - شعاریان، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳). بعضی از حقوقدانان (سکوتی، همان) اعلام نموده‌اند که قاعده «اعمال الکلام اولی من اهماله» اقتضاء می‌کند که قرارداد معتبر شناخته شود. زیرا امر دایر است بین اینکه الفاظ متعاقبین را طوری معنا کنیم که مستلزم فساد و لغو باشد یا به گونه‌ای تفسیر کنیم که منجر به بطلان نگردد. عده‌ای نیز هر دو نظر فوق را قابل ایراد دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶). همین مطالب نیز در نظر یکی از حقوقدانان چنین آمده است که در مورد شروط عقود باید الفاظ را چنین تفسیر نماییم که به لغو منتهی نشود. دلیل این موضوع را این بیان نموده‌اند که اشخاص بدون هدف و به لغو تراضی نمی‌نمایند، چرا که بی‌فایده بودن شرط موجب بطلان آن است (بند ۲ ماده ۳۳۲ ق.م). لازمه‌ی اجرای اصل صحت این است که به هنگام تردید از تفسیری که به بطلان شرط منتهی می‌شود پرهیز کنیم «اعمال الکلام اولی من اهماله». و چنین مثال می‌زنند که اگر شخصی اموال خود را وقف بر اولاد نماید و فرزندی جز نواده نداشته باشد، وقف را باید به نفع نواده تفسیر نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۱). و عده‌ای نیز چنین بیان نموده‌اند که اگر عبارتی دارای دو معنی باشد، که یک معنی فاقد اثر و دیگری دارای اثر است، باید واجد اثر بودن را ترجیح داد و تا آنجا که ممکن است از حذف قسمتی از قرارداد و مهمل گذاشتن آن اجتناب نمود (قاسم زاده، همان، ص ۳۶۱). همچنانکه گفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۷۶) باید اذعان نمود در عبارات قوانین و مقررات و همچنین در اسناد اعم از رسمی و غیر رسمی، هر کلمه و هر عبارتی باید دارای معنی باشد و نمی‌توان گفت بعضی از کلمات یا عبارات بدون معنا هستند. نهایتاً اینکه باید قائل به این نظریه بود که سیستم حقوقی ایران نیز پذیرفته است اگر اشخاص عبارات و شروطی را در قرارداد بکار ببرند که مفید تفسیر بوده و عبارات قابلیت تفسیر به واجد اثر بودن و همچنین تفسیر به فاقد اثر حقوقی داشتن را داشته باشد، مفسر باید تفسیری را برگزیند که دلالت بر واجد اثر بودن عبارات قرارداد دارد. عقلای جامعه و قاعده فقهی «اعمال الکلام اولی من اهماله» این ادعا را توجیه می‌کند. مبانی اصل فوق نیز که از نظر گذشت ادعای فوق را تقویت می‌نماید.

۲-۲ حقوق انگلستان

بر اساس مطالعات صورت گرفته، در حقوق انگلستان اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در مواد قانونی مرتبط با قراردادهای این کشور درج نشده است. فلذا سکوت قانونگذار انگلستان در این خصوص مسلم است. اما باید

توجه داشت که در حقوق انگلستان که رویه قضایی بخش اعظم حکومت بر روابط اشخاص را تشکیل می‌دهد. پرونده‌های متعددی وجود دارد که دادرسان، اصل عدم لغویت و معنادار بودن عبارات و الفاظ را پذیرفته‌اند. در رویه قضایی این کشور، پرونده‌ای تحت عنوان **Restrant Music Hall Co Ltd** وجود دارد که پس از حدوث اختلاف بین طرفین قرارداد و طرح موضوع در دادگاه دادرسی چنین اظهارنظر نموده است که ما نباید قرارداد را چنین تفسیر نماییم که موجب بی‌اعتباری شروط و الفاظ مندرج در قرارداد شود؛ حتی‌الامکان باید تفسیر به نحوی باشد که موجب اثر و عدم لغویت گردد. (همان، ص ۳۰۵) بدین توضیح که باید تمامی عبارات قرارداد را واجد اثر حقوقی بدانیم. روشن است در حقوق انگلستان اگر دلیلی بر رد شروط دارای دو معنا وجود داشته باشد و دلیل نیز بیانگر لغویت و فاقد اثر بودن آن باشد، تفسیر به طریق فوق صحیح نیست. فلذا باید دو تفسیر با هم مساوی باشند، تا بتوان عدم لغویت را پذیرفت. پس اگر بر طبق تفسیر، یک حالت معتبر بودن عبارات باشد و تفسیر دیگر عدم اعتبار عبارات باشد، آنکه مدعی اعتبار است مرجح خواهد بود و دادگاه نیز به مفید بودن این تفسیر رای خواهد داد. (Lewison, 2015, p.125) البته موارد نادری وجود دارد که متعاقدين اعتقاد دارند که به توافق رسیده‌اند، اما دادگاه رای به مجمل و غیرقطعی بودن توافق صادر می‌نماید. اما دادگاه‌ها عدم قطعیت ظاهری را به وسیله ارجاع به معاملات قبلی بین طرفین و عرف و عادت تجاری مربوط می‌سازند. (Hunt, 2000, p.162) عبارت فوق بیانگر این است که دادگاه دلیلی بر مجمل بودن دارد و وجه غیر قطعی بودن عبارات و نتیجتاً، عدم توافق، مرجح است. از طرفی دیگر در پرونده **Lewis V. Barnett** در سال ۱۹۸۲ بین متعاقدين یک قرارداد اجاره منعقد شده بود. این قرارداد در برگیرنده این شرط بود که اگر موجر در زمان مشخص درخواست کارشناس نکند، حق تعدیل از طرف وی ساقط می‌شود. موضوع در دادگاه طرح شد و قاضی دادگاه بدوی این شرط را با وجود صراحت در قرارداد، نپذیرفت و به وجود چنین شرطی در قرارداد توجه نکرد. پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارجاع شد که قاضی دادگاه تجدیدنظر، ضمن رد رای دادگاه بدوی، اعلام کرد دادگاه چنین اختیاری را ندارد که عبارات و شروط قرارداد را نادیده بگیرد و این صحیح نیست. پس صحیح آن است که در تفسیر قراردادهای اشخاص، باید در صورت امکان، شروطی که خود متعاقدين نگارش نموده‌اند مورد توجه قرارگیرد و این شروط واجد اثر حقوقی قلمداد گردد. (Lewison, 2015, p.128) چراکه هدف از تفسیر کشف قصد متعاملین است، این هدف هدف اولیه تفسیر است. (Burton, 2008, p.1)

۲-۳ اتحادیه اروپا

امروزه پیش نویس جامع حقوق خصوصی اروپا یکی از منابع مهم در بررسی قراردادهای تجاری است. اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز برای کشورهای اتحادیه اروپا بسیار مهم و بعنوان مرجعی شناخته شده می‌باشد. هر دو سند فوق از اصول تجاری الهام گرفته و در مواردی زیادی از آن تبعیت نموده‌اند.

در اصول حقوق قراردادهای اروپایی یک ماده به بحث معتبر بودن و یا به نوعی عدم لغویت و واجد اثر بودن اختصاص داده شده است. این ماده دقیقاً در ذیل فصل پنجم - تفسیر، آمده است. ماده ۱۰۶-۵ چنین مقرر می‌دارد: تفسیری که شروط قراردادی را قانونی یا معتبر می‌داند، بر تفسیری که بدین نحو نباشد، ترجیح دارد. عده‌ای از حقوقدانان اصل معتبر ساختن شروط را قاعده تکمیلی دانسته‌اند و بیان نموده‌اند که این اصل بیانگر گرایش این اصول به سوی اعتبار بخشیدن به قرارداهاست. (شعاریان، همان، ص ۲۳۲) حال منظور از تکمیلی بودن این اصل مشخص نیست و سوال این است که آیا طرفین قرارداد می‌توانند چنین توافق نمایند که اگر بعد از انعقاد عقد، شرط مبهمی در قرارداد وجود داشته باشد، طرفین می‌توانند آن را چنین تفسیر نمایند که تفسیری که منجر به بی‌اعتباری شروط می‌گردد، مرجح باشد. به نظر می‌رسد، این دیدگاه صحیح نیست و حتی‌الامکان در مواردی که قرارداد در مورد حقوق اشخاص ثالث دارای اثر است، این تفسیر غلط است و قاعده را باید غیر تکمیلی دانست. فلذا همچنانکه گفته شده است باید اذعان نمود، اگر بتوان شروط قرارداد را به دو گونه و دوپهلوی، تفسیر نمود، برابر اصل مقرر در ماده فوق، تفسیر ما باید به طریقی باشد که سبب اعتبار و در نتیجه اعتبار منجر به اثر حقوقی داشتن شروط، گردد، چرا که رفتار متعارف و معقول افراد جامعه این چنین است. (Lando, 2000, p.297)

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و پیش نویس جامع حقوق خصوصی اروپا نیز این مؤلفه مورد توجه تدوین کنندگان آن بوده است. در ماده ۵-۴ PECL و ماده ۸-۱۰۶ DCEF اصل اثر حقوقی دادن به تمامی شروط، مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۵-۴ چنین مقرر می‌دارد: تفسیر قرارداد باید به نحوی باشد که ترجیحاً به تمامی شروط قرارداد اثر حقوقی داده شود، نه اینکه بعضی را فاقد اثر حقوقی بدانیم. توضیحاتی که در فوق ارائه شد در این خصوص نیز جاری است. تدوین کنندگان اصول مؤسسه که اولین سندی است که اصل در آن نگارش شده باشد، (حیبی، همان، ص ۲۹۵) بخوبی متوجه بوده‌اند که متعاقبین، به لغو، عبث و بیهوده در قرارداد شرط درج نخواهند نمود و آنها می‌خواهند شروط مندرج در قرارداد واجد اثر بوده و معتبر باشند. دادرس در تفسیر قرارداد باید ماده ۱-۴ اصول مؤسسه را به دقت مورد توجه قرار دهد و جهت دست یابی به ماده ۱-۴ راهی وجود ندارد، مگر مواد ۲-۴ و ۲-۴ نیز به دقت مورد توجه واقع شود. فرض کنیم الف که صاحب یک استخر شنا است با شخص ب که مدیر یک مؤسسه ورزشی است، توافق می‌کنند تا شخص ب افراد را در این استخر آموزش دهد و درآمد آن بین دو شخص تقسیم گردد. طرفین پس از مذاکرات و درج شروط در خصوص آموزش مشترک اشخاص به نتیجه نهایی و انعقاد عقد نائل می‌شوند. پس از شروع کار بین طرفین اختلاف پیش می‌آید که آیا می‌توان نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۸ سال را هم به صورت مشترک آموزش داد یا خیر. حال در صورتی که ما شرط را به صورت عام و تفسیر اثر دادن به مفهوم کلیت شروط، مرجح بدانیم، باید چنین رای صادر نماییم که آموزش مشترک شامل تمامی سنین خواهد شد و اگر صاحب استخر با این امر مخالفت نماید و مدیر ورزشی موافق آن باشد، تفسیر

له مدیر ورزشی، صورت خواهد گرفت، مگر اینکه امکان چنین تفسیری با وجود مقررات دیگر وجود نداشته باشد. عده‌ای از حقوقدانان ضمن اعلام رابطه نزدیک بین مقرر فوق با ماده ۱۴-۲ و ۲۲-۲، بیان نموده‌اند که بین دو ماده اخیر، با اصل عدم لغویت تفاوت وجود دارد. تفاوت اینست که اصل عدم لغویت بیانگر معنادار بودن و عدم لغویت الفاظ و عبارات قرارداد است، در حالیکه دو ماده فوق، ناظر به تحقق و عدم تحقق قرارداد است، که با این دو ماده قرارداد محقق شده تلقی می‌گردد. و این دو ماده را با ماده ۲۲۳ ق.م حقوق ایران منطبق می‌دانند. (حبیبی، همان، ص ۲۹۶) این نظر دارای ایراد است که حقوقدانان ایران ماده ۲۲۳ را ناظر بر عقد محقق شده می‌دانند و باید صورت عرفی عقد وقوع یافته باشد و با اصل صحت وقوع عقد ثابت نمی‌شود، در حالیکه این دو ماده دارای وضعیت متفاوتی هستند و دقیقاً آنجا کاربرد دارند که با تردید در تحقق یا عدم تحقق عقد، حکم به تحقق داده می‌شود. در اینجا با اصل صحت در قانون مدنی تفاوت ظریفی وجود دارد و آن این است که در قانون مدنی کارکرد اصل صحت بعد از وقوع عقد است.

همچنانکه اشاره شد، اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد در حقوق ایران با آنچه در گروه‌های مورد مطالعه بررسی شد، دارای تفاوت است. برخلاف نظر عده‌ای (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶) هیچ حقوقدانی در حقوق ایران، اصل صحت در فقه را معادل اصل معنادار بودن الفاظ و عبارات یا اصل تقدم معنای معتبر ندانسته است و در یادداشتهای هیچ نویسنده‌ای این مطلب دیده نشده است. نویسنده فوق، اصل صحت را در زمانی جاری می‌داند که تردید در شروط فرعی و جزئی قرارداد باشد و ارکان اساسی عقد تحقق یافته باشد، اما شروط فرعی را مشخص نموده است. (همان) این نظر صحیح نیست و دارای ایراد است که اصل صحت در حقوق ما صرفاً متوجه شروط فرعی و جزئی نیست و در هر مورد که عقد تحقق یافته باشد و طرفی از اطراف عقد، مدعی بطلان و فساد باشد، ادعای وی محکوم به رد است، و مدعی به حساب می‌آید و باید دلیل بطلان ارائه دهد. اگر خوب دقت نماییم همین بحث در پرونده (Lewis V. Barnett) مورد بررسی قرار گرفت به نوعی که اگر همین موضوع در کشور ما مطرح می‌شد، دادگاه رای به صحت شرط مندرج در قرارداد صادر می‌نمود. و دقیقاً در حقوق انگلستان نیز بدین نحو با موضوع برخورد شده است و در حوزه مطالعاتی اتحادیه اروپا برابر اسناد مدون فوق، این مطلب به همان شیوه رسیدگی انگلستان دریافت می‌گردد. عده‌ای چنین بیان نموده‌اند که تفسیر قرارداد در حقوق ما دارای دو مفهوم است و آن عبارت است از اینکه با تفسیر یا باید اصل را بر صحت قرارداد، نهاد و یا قرارداد را باطل دانست. (همان، ص ۱۶۱) البته این دو تفسیر مربوط به کلیت قرارداد است و ارتباطی به شروط فرعی و جزئی ندارد. همین نویسنده چنین بیان نموده است در حقوق خارجی همین دو تفسیر وجود دارد، اما اگر تفسیر را بر لغویت و فقدان معنای حقوقی قلمداد نماییم، موجب ورود خلل به صحت عقد نمی‌شود. این مطلب نیز صحیح نیست و باید اذعان نمود با توجه به مطالعات صورت گرفته در فقه و حقوق نیز اگر بر شرطی، عدم وجود معنا و

اثر حقوقی وارد باشد و در معنای فقهی - حقوقی اصل بر عدم صحت شرط و یا عبارتی باشد، موجب بطلان و فساد عقد نمی‌شود. در فقه و حقوق نیز اگر از عبارتی هیچ معنای حقوقی دارای اثر، افاده نگردد، نهایتاً عبارت و شرط فاقد معنا بوده، بدون اینکه عقد صحیح نباشد. عده‌ای از حقوقدانان بیان نموده‌اند که در همه احوال اثر حقوقی داشتن و عدم لغویت، بر هم منطبق نیستند. (حیبی، همان، ۳۰۰) یعنی عبارتی شاید لغو نباشد ولی اثر حقوقی داشته باشد؛ گاهی نیز شاید لغو نباشد ولی فاقد اثر حقوقی باشد.

در فقه و حقوق ایران، می‌توان چنین گفت که تفسیر قرارداد نباید مستلزم نقض غرض باشد و تفسیر نباید مستلزم مفسده باشد. (نویخت، ۱۳۸۸، ص ۷۴-۷۵) عده‌ای از حقوقدانان و فقها نیز این مطلب را مورد اشاره قرار داده‌اند. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۴۲؛ کاتوزیان، همان، قشقای، همان، ص ۱۱۷) بدین توضیح که اگر در روابط حقوقی اشخاص، موردی پیش آید که بتوان دو برداشت را استنتاج نمود، باید برداشتی را ترجیح داد که واجد اثر باشد و آن معنا مقدم شود. (اصل تقدم معنای معتبر) در حقوق ایران اصل صحت ناظر به عدم فساد و بطلان به مفهوم عام کلمه است. در نتیجه تمامی حالاتی که به قرارداد در صورت تردید و ایجاد شبهه، خللی وارد نماید، مشمول اصل بوده و اصل صحت آن را پوشش می‌دهد.

فلذا از اصل واجد اثر بودن عبارات و اصل صحت نتایج بدست می‌آید که به شرح ذیل است:

اول: هرگاه در مخالفت عقد با قانون تردید حاصل آید، اصل صحت مقدم است.

دوم: هرگاه در مخالف عقد با قانون، تردید شود که قانون امری است یا تکمیلی، قانون را باید تکمیلی دانست تا به صحت عقد خللی وارد نیاید.

سوم: در قراردادهایی که در خارج واقع می‌شود، باید فرض را بر واقعی بودن این عقود گذاشت و هرکس مدعی صوری بودن است، دلیل باید ارائه دهد و صوری بودن را ثابت نماید. در رای شماره ۱۳۱۷/۶/۲۰ - شماره ۱۴۶۵ نیز چنین آمده است که: «مطابق ماده ۲۲۳ ق.م.هر معامله که واقع شده محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود بنابراین با احراز صحت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد، فساد معامله محتاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، جلد ۱، ص ۳۹۲).

چهارم: برابر ماده ۲۲۴ ق.م «الفاظ عقود محمول است برمعانی عرفیه». حال سوال اینست که ممکن است در عرف، الفاظ عقود دارای معانی متعددی باشد و ما باید کدام معنا را ترجیح دهیم؟ به نظر می‌رسد باید معنایی را برگزید که عدم لغویت عبارات قرارداد را می‌رساند. (قاسم‌زاده، همان، ص ۱۷۳) فلذا اگر ادعا شود، الفاظ عقد از معنای عرفی منصرف هستند، باید دلیل ارائه شود و بدون دلیل این امر ممکن نخواهد شد.

پنجم: در مفهوم اصل صحت باید واژه بطلان را به صورت عام کلمه در نظر گرفت و آن را بر فسخ و فاسد و ... نیز شامل نمود. فلذا اگر الفاظ عقود طوری معنا شود که هم وجود حق فسخ در آن برود و هم عدم چنین احتمالی، اصل صحت چنین ایجاب می‌نماید که عقد را به معنای عدم وجود چنین حقی و صحت عقد تفسیر نماییم.

ششم: عده‌ای از نویسندگان حقوقی (طباطبائی، همان، ص ۱۶۰) چنین اذعان نموده‌اند که گفته شده است برخی معتقدند با اصل صحت در تفسیر می‌توان بسیاری از تاسیسات جدید را صحیح دانست، حتی اگر در صدر اسلام چنین تاسیسی وجود نداشته باشد. توضیح اینکه اگر مخالفت عقد با قانون باشد، عقد صحیح است. و بیع کالی به کالی را مثال زده‌اند که باید بر اساس اصل مفید، صحیح قلمداد گردد. (کاتوزیان، همان) این نظر و برداشت از حقوقدان فوق صحیح نیست. چراکه ایشان اعلام نموده‌اند اگر شرایط اساسی عقد به طور مسلم با قانون تعارض داشته باشد، برای اعلان بطلان آن کافی است و بیان ضمانت اجرای تجاوز به قانون وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۰۰) البته مثال ایشان در خصوص عقد مغارسه که اگر تردید شود عقد مغارسه (درختکاری) نافذ است یا خیر؟ باید مدعی، فساد را ثابت نماید و اصل بر صحت است و ماده ۱۰ ق.م نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. (همان، ص ۳۹۹) برخلاف نظر عده‌ای (طباطبائی، همان) اعلام صحیح بودن این عقد و عقود جدیدالتاسیس، به استناد اصل صحت در تفسیر نیست و این امکان وجود ندارد به استناد این اصل بتوان عقود را صحیح دانست. بلکه مستند به عموماً لفظی است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲) و براساس نظر عده‌ای مستند به ماده ۱۰ ق.م. (کاتوزیان، همان)

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مبتلابه در حقوق قراردادهای، تفسیر قرارداد است. قراردادهای تجاری بر اساس اصول متنوعی تفسیر خواهند شد. اصل واجد اثر بودن عبارات و الفاظ عقود، یکی از اصول تفسیر در قراردادهای تجاری است.

اصل فوق، در حقوق ایران به نحو صریح مورد پیش بینی قرار نگرفته است. فلذا بین حقوقدانان در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. ماده ۲۲۳ ق.م در مورد اصل صحت مقرره قابل توجهی داشت و در نوع خود اصلی پیشرفته و منحصر به فرد است؛ با این ایراد که قانون مدنی از جایگاه اصل صحت در تفسیر قرارداد سخنی به میان نیاورده است و خلل قانونی محسوس است. برخلاف نظر عده‌ای از نویسندگان حقوق (طباطبائی، همان، ص ۱۶۲). که گفته‌اند قریب به اتفاق حقوقدانان بیان نموده‌اند که اصل تقدم معنای معتبر با اصل صحت یکی می‌باشد، باید بیان نمود که حقوقدانان در کشور ایران، کمتر وارد حوزه مطالعاتی اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد شده‌اند و در همان ماهیت و مبنا و قلمرو اصل صحت تحقیق کرده‌اند و وارد حوزه تفسیر براساس اصل صحت در

تفسیر قرارداد و اصل عدم لغویت عبارات قرارداد نشده‌اند. می‌توان چنین اظهار نظر نمود که کارکرد اصل صحت در حقوق ایران وسیع بوده و تمامی عقود و ایقاعات را شامل می‌شود و دارای دو مفهوم وضعی و تکلیفی می‌باشد. از طرفی فقط در خصوص شبهات موضوعی جاری است و در شبهات حکمی جاری نخواهد بود. هر چند بین اصل صحت در تفسیر قرارداد و اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد تفاوت وجود دارد، ولی این دو کاملاً از هم متمایز نیستند. همچنانکه اشاره شد اگر به استناد اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد، عبارتی در قرارداد در حقوق ایران باطل اعلام گردد موجب بطلان کل قرارداد نخواهد شد. نتیجه اینکه دو اصل دارای کارکردهای متفاوت هستند. عده‌ای از فقها و نویسندگان حقوقی، واجد اثر بودن عبارات قرارداد را با اصلی همچون اعمال الکلام اولی من اهماله توجیه کرده‌اند و همچنانکه بیان گردید در صورت داشتن دو معنا در عبارات قرارداد باید معنایی را برگزید که لغو نباشد؛ چراکه مردم به لغو قرارداد نمی‌بندند و به لغو در قراردادهایشان شرط درج نمی‌نمایند. نکته آخر اینکه ما نمی‌توانیم، اصل واجد اثر بودن را یکی از آثار تبعی اصل صحت بدانیم و باید اذعان نمود که کارکردشان در بعضی موارد متفاوت و در بعضی موارد مشابه است.

اصل مورد مطالعه در حقوق انگلستان صریحاً در قوانین مدون ذکر نشده است، ولی با تحقیق در حقوق این کشور به این نتیجه دست می‌یابیم که رویه قضایی انگلستان اصل فوق را مورد توجه قرار داده و در آرای صادر شده به آن استناد نموده است. همچنانکه دیده شد این اصل به نحو صریح در **UPICC** و **PECL** و **DCER** صریحاً مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. هر سه سند فوق این اصل را در ماده مستقلی بیان نموده‌اند که عنوان حقوقی آن اصل تقدم معنای معتبر و واجد اثر بودن عبارات قرارداد است. نتیجه اینکه حقوق اتحادیه اروپا اصل واجد اثر بودن عبارات قرارداد را به نحو صریح پذیرفته است.

منابع و مأخذ:

الف: فارسی

۱. اخلاقی، بهروز. امام، فرهاد، ۱۳۹۴، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ۲۰۱۰، چاپ سوم (ویرایش سوم)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۲. امامی، سید حسن، ۱۳۶۸، حقوق مدنی، چاپ هشتم، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج اول.
۳. امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، حقوق تعهدات (کلیات حقوق تعهدات - وقایع حقوقی)، تهران: نشر میزان، ج اول.

۴. ترابی، ابراهیم، ۱۳۹۰، اصول حاکم بر تفسیر قراردادهای تجاری با بررسی تطبیقی براساس اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۳، مبانی فلسفی تفسیر حقوقی، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، الفارق، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ج ۱.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۱ و ۲ و ۳.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۸، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت (حقوق تعهدات عقود و ایقاعات)، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۵)، دایره‌المعارف حقوق دانشنامه حقوقی، جلد ۱، چاپ دوم، گنج دانش، تهران، ص ۳۹۲.
۱۱. حبیبی، محمود، ۱۳۸۹، تفسیر قراردادهای تجاری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. دمیرچیلی، محمد. حاتمی، علی. قرائی، علی، ۱۳۸۲، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران: میثاق عدالت.
۱۳. سکوتی نسیمی، رضا، ۱۳۹۰، حقوق مدنی: عقود معین - عقد مضاربه، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۴. شعاریان، ابراهیم. ترابی، ابراهیم، ۱۳۸۹، اصول قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تبریز: فروزش.
۱۵. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۵، حقوق مدنی (اصول قراردادها و تعهدات)، ج دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد.
۱۶. صاحبی، مهدی، ۱۳۷۶، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
۱۷. صالحی‌راد، محمد، ۱۳۸۷، گستره و آثار تعهدات قراردادی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۸. طباطبائی، سیدمحمدصادق. آرایبی، حمید، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی مفهوم اصل صحت در تفسیر قراردادها، مجله نامه مفید، شماره ۸۸.
۱۹. عادل، مرتضی. غفاری فارسانی، بهنام، ۱۳۸۶، قلمرو قوانین حمایت از مصرف‌کننده و عوامل مؤثر بر آن، مجله حقوق تطبیقی، انتشارات مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۳.

۲۰. علومی یزدی، حمیدرضا. بابازاده، بابک، ۱۳۸۷، شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۹.
۲۱. قاسم‌زاده، سید مرتضی، ۱۳۸۹، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ چهاردهم، تهران، نشر دادگستر.
۲۲. قشقایی، حسین، ۱۳۷۸، شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، فلسفه حقوق (منابع حقوق)، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۲۵. گرجی، ابوالقاسم، بی‌تا، اصل صحت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۸.
۲۶. مریدی فر، حسین. الهامی، مسعود، ۱۳۹۳، کاربرد امارات در حقوق و علم اصول فقه، مجله کانون وکلای سنج، شماره ۶.
۲۷. محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۳، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. محقق‌داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، قواعد فقه بخش مدنی ۱، چاپ بیستم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۹. _____، ۱۳۷۷، قواعد فقه، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۳۰. معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما با همکاری کتاب آرد.
۳۱. نصیری، ایدا، ۱۳۹۱، تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی با تاکید بر اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، واحد بین‌الملل.
۳۲. نوبخت، حسین، ۱۳۸۸، شیوه‌های تفسیر قوانین مدنی، چاپ اول، تبریز: انتشارات فروزش.
- ب: عربی**
۳۳. انصاری، مرتضی، ۱۳۷۴ه.ق، فرائدالاصول (الرسائل)، قم: انتشارات مصطفوی.
۳۴. بحرانی، شیخ یوسف، ۱۴۰۵ه.ق، حدائق الناضره، بیروت: دارالأضواء، ج ۲۱، چاپ دوم.
۳۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، ۱۴۱۴ه.ق، مسالک‌الفهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ج ۴، چاپ اول.
۳۶. قیم، عبدالنبی، ۱۳۸۸، فرهنگ معاصر (عربی-فارسی)، مؤسسه فرهنگ معاصر، چاپ هشتم.
۳۷. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، تحریرالمجله، ۱۳۵۹، تهران: مکتبه النجاح و قم: مکتبه الفيروزآبادی، ج ۱.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۶ه.ق، قواعدالفقهیه، چاپ چهارم، قم: نشر الامام امیر المومنین، ج ۱.
۳۹. موسوی بجنوردی، محمد حسن، ۱۴۱۹ه.ق، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم: نشر الهادی، ج ۱.

۴۰. نائینی، میرزا حسین، بی تا، تقریرات: فوائد الاصول، نوشته شیخ محمدعلی کاظمی، ج ۴.
۴۱. نراقی، احمد بن محمد، عواید الایام، (۱۴۱۷)، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، قم.

پ: انگلیسی

42. Baddack, Frank ,2005, Lex Mercatoria: scope and application of the law merchant in arbitration, A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the LL.M. Degree, Mode III, University of the Western Cape.
43. Bryan A. Garner, 2011, BLACK'S LAW DICTIONARY, 4th ed, Thomson West.
44. Burton, Steven j , 2008, Elements of Contract Interpretation, Oxford University Press (November).
45. Barker – David / Padfield – Colin, 1998, Law Made Simple, 10th ed, Tehran: Mizan Pub, 2003.
46. Christian Von Bar, Eric Clive(eds), 2009, Model Rules of Eropean Private Law,full edition,Munich, sellier, vol 1(1st ed).
47. Elizabeth A.Martin,2002, A Dictionary Law, 5rd ed, Oxford University press.
48. Henry, Campell Blak, 2004, Blak's Law Dictionary, United States American,6th : Deluxe Edition. West Group.
1. Lewison, Kim, 2015, Interpretation of Contract,6th,UK: London, Sweet&Maxwell.
 2. Lando Ole & Beale Hugh,2000, The Principles of European Contract Law Part 1 & 2, London, prepared by the commission on European Contract Law.
 3. Martin, Hunt, 2000, A Level and As Level Law, London: Sweet&Maxwell.
 4. Ruth Urbom, American Wordpower dictionary, 2002,Oxford University press.
- Willmott-lindy/ Christensen –sharon / Butler – Dr. Des,1996, Contract Law 2edit, London, Oxford University press.